

# حرمت کذب و اقسام آن

«قسمت دوم»

حجة الاسلام حسن قلی پور

عضو هیات علمی و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی- واحد بابل

◆ چکیده:

آنچه شما خواننده محترم پیشرو دارید ادامه بحث «حرمت کذب و اقسام آن» است. قسمت اول مقاله در شماره پیشین فصلنامه به اطلاعاتتان رسید. در این شماره ابتدا حکم حرمت کذب را با توجه به ادله اربعه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) بررسی می کنیم و سپس انواع و مراتب متعدد دروغ را ذکر خواهیم کرد و قسمت پایانی مقاله به بحث از «مسوغات کذب» اختصاص خواهد داشت.

کلمات کلیدی: توریه، گناه کبیره، قبح، کتمان، شهادت، مصلحت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چون در پایان مقاله قبلی قول دادم که دنباله بحث حرمت کذب و اقسام آن را در فصلنامه بعدی بعرض عزیزان برسانم لذا مسائلی که در این رابطه از نظر فقه اسلامی، به آن اشاره فرمودند اشاره خواهم کرد. همانطوریکه در مقاله قبلی باستحضار رسید ما معتقدیم که صداقت و راستگویی سبب نجات و رستگاری بشر، دروغ و دروغگویی سبب هلاکت و بدبختی جامعه خواهد بود. قبل از آنکه حرمت کذب را از دیدگاههای مختلف بررسی کنیم و نظرات آنان را بیاوریم حرمت کذب را براساس ادله اربعه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) بیان کرده و سپس نظرات و دیدگاههای ادیان مختلف را مورد بررسی قرار خواهیم داد.



**حرمت کذب از دیدگاه قرآن**

قبل از اینکه برای اثبات حرمت کذب، از آیات قرآن مجید استفاده کنیم، باید بگوئیم حرمت کذب از ضروریات دین است که عقل و نقل، آیات و روایات و اجماع و عقل بر حرمت آن دلالت تام دارد و در اصل حرمت کذب بین علماء هیچ اختلافی نمی باشد و اگر هم اختلافی وجود دارد پیرامون گناه کبیره بودن یا صغیره بودن کذب و یا درباره مسوغات و موارد جواز کذب می باشد نه در مورد اصل حرمت کذب از جهت اینکه کذب است.

بر همین اساس است ادعای شیخ مرتضی انصاری در کتاب شریف مکاسب محرمه که می فرماید: «وهو حرام بضروره العقول و الادیان: ویدل علیه الادله الاربعه الا ان الذی ینبغی الکلام فیه مقامان (احدهما): فی انه من الکبائر و (ثانیهما) فی مسوغاته...» مکاسب محرمه، شیخ مرتضی انصاری، ص ۱۴۹ دروغ گفتن حرام است به حکم قطعی عقول بشری و جمیع ادیان آسمانی و در شرع مقدس اسلام حرمت آن به ادله اربعه کتاب و اجماع و سنت و عقل ثابت است و آنچه که شایسته است مورد بحث و بررسی قرار گیرد، دو نکته است که عبارتند از:

۱- در اینکه کذب از گناهان کبیره است ۲- در مسوغات و موارد جواز کذب

در بیان اثبات حرمت کذب از دیدگاه قرآن فقط به ذکر چند آیه از آیات قرآنی اشاره می نمایم که همه آیات مذکوره در مورد مذمت کذب و کاذب و چند آیه دیگر در مورد دعوت به ضد کذب که همان صدق و راستی است می باشد.

۱- در سوره نحل آیه ۱۱۶ آمده است:

«وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتَكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لَتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ»  
نگوید هر آنچه از دروغها را که زبانه‌های شما آن را می‌ستاید که این حلال است و این حرام است تا بیافند بر خدا دروغ را به تحقیق کسانی که دروغ را بر خداوند می‌یافند رستگار نمی‌شوند.

۲- در آیه ۱۰۵ سوره مذکور نیز آمده است:

«أَلَمْ يَفْتَرِ الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»  
جز این تحقیقاً کسانی دروغ سازند که به آیات الهی ایمان ندارند و آنها بسان دروغگویان هستند.

۳- آیه ۲۱ سوره انعام:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ»  
فرماید: ستمکارتر از آن کس که بر خداوند دروغ بسته و یا آیات وی را دروغ داشته کیست؟  
براستی که ستمکاران رستگار نمی‌شوند.

۴- سوره انعام آیه ۱۱:

«قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»  
فرماید: بگو: در زمین مسافرت کنید و بنگرید که سرانجام دروغگویان چگونه بوده است.

۵- سوره فرقان آیه ۱۱:

«بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا»  
بلکه قیامت را دروغ شمردند و ما برای کسیکه قیامت را دروغ شمرد، آتشی سوزان آماده کرده ایم.

بعد از این آیه و آیات قرآنی بدست می‌آید که:

۱- دروغگو ملعون است و خشم خدا شامل حال اوست.

۲- دروغگو به آیات خداوند ایمان ندارد.

۳- دروغگو به راه راست هدایت نشده و خداوند دروغگو را هدایت نمی‌کند.

۴- دروغگو ظالم است.

۵- عذاب دردناک و خوار کننده از آن دروغگویان است.

۶- عمل به خیر دروغ موجب ندامت و پشیمانی است.

در نقطه مقابل کذب، صدق قرار دارد و خداوند در آیات متعددی از آیات قرآنی از حسن صدق و ارزش راستی و راستگویی سخن به میان آورده و مردم را به راستی و راستگویی دعوت فرمود.

#### از جمله آن آیات:

۱- در آیه ۱۱۹ سوره توبه آمده است:

«يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين» ای آنها که ایمان آورده اید، از خدا بترسید و با راستگویان باشید.

۲- در آیه ۳۲ سوره زمر پس از بیان مطالبی در مذمت کذب و کاذب در مورد ارزش راستی و راستگویی فرموده است:

«والذی جاء بالصدق و صدق به اولئک هم المتقون» آنکه از (در) راستی آمد و تصدیق

نمود آن را آنهاست همان پرهیزکاران.

**و نیز از آیات قرآنی بدست می آید که:**

۱- راستگویی از صفات مردان و زنان با ایمان است.

۲- راستی و راستگویی در روز قیامت نافع به حال انسان بوده و در آن روز جز راستی و درستی چیزی به حال آدمی نافع نخواهد بود.

۳- راستگویان همان تقوایب گان اند.

۴- راستگو در نقطه مقابل منافق قرار گرفته است.

۵- راستگویان دارای آرامش اند و راحت فکر می کنند.

خلاصه اینکه؛ کسی که کمترین مطالعه‌ای در آیات قرآن داشته باشد از لسان آیات قرآن مسأله حرمت کذب را به خوبی و به وضوح می یابد و در حرمت کذب از دیدگاه آیات قرآنی

کمترین شک و شبهه‌ای به خود راه نداده و تردیدی نخواهد کرد.

## دلیل دوم

### حرمت کذب از دیدگاه روایات

در روایات اهل بیت عصمت و طهارات (ع) به روایات عدیده‌ای برمی‌خوریم که همگی آنها در مذمت دروغ و دروغگویی و دروغگو، و نیز ارزش صداقت و راستی و راستگویی و راستگو است و چون این مقاله ظرفیت و گنجایش ذکر تمامی آنها را ندارد و این قلم نیز از ذکر همه آن روایات عاجز است لذا به نقل تعدادی از آن روایات بسنده نموده و آنها که خواهان شناخت بیشتر در این زمینه اند را به مطالعه کتب روایی و فقهی و اخلاقی احاله می‌دهیم.

۱- امام باقر (ع) فرمود:

که امام سجاد (ع) به فرزندانش می‌فرمود: «اتقوا الکذب، الصغیر منه و الکبیر فی کل جدوهزل فان الرجل اذا کذب فی الصغیر اجتری علی الکبیر اما علمتم ان رسول الله صلی الله علیه و اله قال: ما یزال العبد یرصدق حتی یکتبه الله صدیقاً و ما یزال العبد یکذب حتی یکتبه الله کذاباً» (ترجمه اصول کافی، به قلم سیدهاشم رسولی، ج ۴، باب الکذب، حدیث ۲، ص ۳۵) از دروغ کوچک و بزرگش جدی و شوخیش پرهیزید زیرا آن کسی که در چیز کوچک دروغ گفت به دروغ بزرگ نیز جرأت پیدا می‌کند آیا نمی‌دانید که رسول خدا (ص) فرمود: بنده خدا پیوسته راست می‌گوید تا خدا او را راستگو و صدیق نویسد و پیوسته دروغ می‌گوید تا خدا او را کذاب «دروغگو» نویسد.

۲- از همان امام (ع) است که فرمود:

«ان الله عزوجل جعل للشرا قفالا و جعل مفاتیح تلك الاقفال الشراب و الکذب شرمن الشراب» (همان منبع، حدیث ۳) خدای عزوجل برای بدی قفلهایی قرار داده و کلیدهای آنها را شراب قرار داد و دروغ بدتر از شراب است.

۳- «قال رسول الله (ص) اَلْكَذِبُ كُلُّهُ اِثْمٌ اِلَّا مَا نَفَعَ بِهِ مُسْلِمٌ» (نهج الفصاحه، ص ۴۴۴) رسول

اکرم (ص) فرمود هرگونه دروغی گناه است مگر آن دروغ که مسلمانی از آن سود برد.

۴- «قال رسول الله (ص) إِنَّ الْكِذْبَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ النِّفَاقِ» (کنز العمال ج ۳ ص ۶۳۱) پیامبر اکرم (ص) فرمود همانا دروغ دری از درهای نفاق است.

۵- «قال علی (ع) أَغْظَمُ الْخَطَايَا عِنْدَ اللَّهِ اللِّسَانُ الْكُذُوبُ وَ شَرُّ النَّدَامَةِ نَدَامَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» امیرالمومنین (ع) فرمود: بزرگترین گناه و خطا در پیشگاه خدا زبان دروغگو است و بدترین پشیمانی پشیمانی روز قیامت می باشد.

۶- «سئل الصادق (ع) أَنْ يُعَلِّمَهُ مَا يَنَالُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ لَا يَطْوُلُ عَلَيْهِ فَقَالَ (ع) لَا تَكْذِبْ» کسی از امام صادق (ع) درخواست نصیحت کوتاهی کرد که با بکار بستن آن به خیر و سعادت دنیا و آخرت برسد حضرت فرمود: دروغ مگو. (تحف العقول، ص ۴۱۷)

۷- «قال علی (ع) أَغْظَمُ الْخَطَايَا عِنْدَ اللَّهِ اللِّسَانُ الْكُذُوبُ» علی (ع) فرمود بزرگترین گناهان در پیشگاه خدا دروغگویی است.

۸- «قال الباقر (ع) قَالَ: الْكِذْبُ كُلُّهُ إِثْمٌ إِلَّا مَا نَفَعْتَ بِهِ مُؤْمِنًا وَ دَفَعْتَ بِهِ عَنِ دِينِ الْمُسْلِمِ» امام باقر (ع) فرمود: هرگونه دروغی گناه است مگر دروغی که به مؤمنی سود رسانی یا آسیبی از دین مسلمان را دفع و برطرف سازی. دروغ کلید همه پلیدیها و بدیهاست.

۹- پیامبر اسلام (ص) دروغ گفتن را در سه جا روا دانسته :

الف) کسیکه برای اصلاح بین مردم دروغ گوید تا اختلاف بین دو مسلمان اصلاح شود دروغگو نیست.

ب) کسیکه در میدان جنگ بدروغ خودستایی نماید تا دشمن را به وحشت اندازد دروغگو نیست.

ج) مسائل و داستانی که بین زن و مرد بهم گویند برای جلب رضایت خاطر یکدیگر دروغ بحساب نمی آید. (نقل از کتاب سنن ابی داود، ج ۲، ص ۵۷۸)

۱۰- «قال رسول الله (ص) إِنَّ الْكِذْبَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ النِّفَاقِ» (کنز العمال، ج ۳، ص ۶۲۱) پیامبر اکرم (ص) فرمود: همانا دروغ دری از درهای نفاق است.

راستگونی امانت است و دروغ خیانت می باشد. هرکس دروغش بیشتر باشد آبروش کم گردد. اصلاً دروغگویی مایه رسوائی است. هیچ بدی بدتر از دروغ نیست.

۱۲- و نیز از امام محمد باقر (ع) است که فرمود:

«ان الكذب هو خراب الايمان» (ترجمه اصول کافی، به قلم سیدهاشم رسولی، ج ۴، باب الکذب، حدیث ۴، ص ۳۵) دروغ ویران کننده ایمان است.

۱۳- علی (ع) در مورد کذب فرمود: «لا یجد عبد طعم الايمان حتى یتراک الکذب هزله وجده» (همان منبع، حدیث ۱۱) هیچ بنده‌ای مزه ایمان را نمی‌چشد تا دروغ را ترک کند چه شوخی باشد و چه جدی.

۱۴- رسول گرامی اسلام حضرت محمد (ص) در مذمت و دروغ‌گویی فرموده است: «ان المؤمن اذا کذب بغير عذر لعنه سبعون الف ملک و خرج من قلبه نتن حتى یبلغ العرش و کتب الله علیه بتلك الکذبه سبعین زنيه اهونها کمن زنی بامه» (گناهان کبیره، ج ۱، نوشته سیدعبدالحسین دستغیب، ص ۲۸۲ و ۲۸۳) مؤمن هرگاه بدون عذر دروغی بگوید هفتاد هزار فرشته او را لعنت می‌کنند و بوی گندی از قلبش بیرون می‌آید که تا به عرش می‌رسد و خداوند به سبب این دروغ گناه هفتاد زنا گناه که کمترین آن زنا با مادر است برای او می‌نویسد.

۱۵- و نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله است که فرمود:

«ایاکم و الکذب و انه من الفجور و هما فی النار» (همان منبع، ص ۲۸۶) از کذب بپرهیزید که دروغ از فجور (و دروغ‌گو فاجر) است، هر دو (یعنی دروغ و دروغ‌گو) در آتش‌اند.

۱۶- و نیز از آن حضرت است که فرمود:

«الاخبرکم باکبر الکبائر الا شراک بالله و عقوق الوالدین و قول الزور» (همان منبع، ص ۲۸۲) آیا شما را خیر ندهم به بزرگترین گناهان کبیره، آنها عبارتند از: شرک به خدا، عقوق والدین و قول زور و باطل یعنی دروغ.

همچنین از روایات بدست می‌آید که:

دروغ مایه پشیمانی و سیاه کننده روی آدمی و از نشانه‌های منافقین و نامردی و عامل از بین رفتن ارزش و بهای انسانی و ایجاد کننده تخم نفاق در قلوب و از زشت‌ترین مرضهای نفسانی و عامل ورود آدمی در آتش قهر الهی و دری از درهای نفاق و نیز عامل محروم شدن انسان از

عبادات از جمله نماز شب و همچنین عامل محروم شدن دروغگو از نعمتهای مادی از جمله سعه رزق و... می‌باشد.

قابل ذکر است که این آیات و روایات در دلالتشان بر حرمت کذب اطلاق دارد و می‌رساند به اینکه کذب مطلقاً حرام است، خواه موجب مفسده و ضرری بر کسی باشد یا نباشد و می‌رساند به اینکه کذب بماهو کذب و دروغ از آن جهت که دروغ است حرام می‌باشد و اگر هم در مواردی به جواز کذب حکم شده است و دروغ گفتن در آن موارد حلال گردیده است صرفاً به خاطر وجود مصلحت اهم یا دفع مفسده بزرگتر است.

### دلیل سوم: اجماع

در خصوص حرمت دروغ همه فقهاء و علماء و بلکه تمام مسلمین اتفاق نظر دارند و بلکه از اجماع بالاتر گفته اند حرمت دروغ از ضروریات دین مبین اسلام است و ضمناً چون ان الدین عندالله الاسلام (سوره آل عمران، ۴، آیه ۱۹) دین نزد خدای سبحان تنها اسلام است فلذا دروغ در تمامی ادیان آسمانی حرام می‌باشد.

همانطور که در ابتدای این فصل گفته‌ایم مسئله حرمت کذب از ضروریات دین است و در این مسئله ادعای اجماع شده و در میان تمامی علماء و فقهاء کسی را نخواهم یافت که در اصل حرمت کذب کمترین مخالفتی داشته باشد و یا کمترین شبهه و تردیدی به خود راه داده باشند تنها اختلافی که در میان نظرات فقهاء مشهود است در زمینه کبیره بودن یا صغیره بودن و یا در موارد جواز کذب است.

مرحوم صاحب جواهر در مورد ضروری بودن و بدیهی و اجماعی بودن کاذب می‌فرماید:  
 «کتعمد الکذب الذی حرمة من الضروریات و یزاد اثماً اذا کان علی المؤمنین ثم علی ائمتهم علیه السلام ثم علی الله تعالی» (جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج ۲۲، ص ۷۲، چاپ بیروت) مثل عمدی گفتن دروغ که حرمت آن از ضروریات است و گناه دروغ افزوده می‌شود آن زمانی که دروغ بر مؤمنین گفته شود و اضافه تر می‌شود آن زمانی که گناه بر امامان (ع) گفته شود و از این نیز اضافه تر خواهد بود آن زمانی که دروغ برخدای عزوجل گفته شود.



از مجموع آنچه که حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه در کتاب مکاسب محرمه اش که یک کتاب اجتهادی و استنباطی است آورده است بدست می آید که:  
اولاً: کذب حرام شرعی است.

ثانیاً: همه اقسام آن کبیره بحساب نمی آید بلکه بعضی از موارد آن مثل کذب بر خدا و رسول و ائمه گناه کبیره بحساب می آید.

ثالثاً: کذب هزلی و شوخی نیز شرعاً حرام نیست البته در صورتی که قرینه‌ای بر شوخی بودن وجود داشته باشد هر چند که احتیاط استجبایی اجتناب از آن را دارد.

رابعاً: توریه شرعاً حرام نیست و... (مکاسب محرمه، الامام الخميني، ج ۲، ص ۳۰-۹۳)

مرحوم سید ابوالقاسم خوئی در کتاب منهاج الصالحین در مورد حرمت کذب و... می‌فرماید: «مسئله ۳۵: محرم الکذب و هو الاخبار مجالیس بواقع، و لا فرق فی الحرمه بین ما یکون فی مقام الجد و ما یکون فی مقام الهزل نعم اذا تکلم بصوره الخیر هذا بلا قصد الحکایه و الاخبار فلا بأس به و... (منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۲-۱۳، سید ابوالقاسم خوئی) کذب حرام است و عبارت است از خبر دادن برخلاف آنچه که هست و در حرمت کذب فرقی نیست چه در مقام جد باشد یا در مقام هزل و شوخی آری اگر به صورت جمله خبری و از روی شوخی و بدون قصد حکایت و خبر دادن سخن می‌گوید باکی در آن نیست و...»

مرحوم سید عبدالاعلی سبزواری در کتاب «مذهب الاحکام» در مورد کذب و حرمت آن مطالبی دارد که مطالب زیر از آن استنباط می‌شود: ۱- کذب حرام شرعی است به خاطر دلالت ادله اربعه بر حرمت آن.

۲- مطلق کذب از گناهان کبیره نیست بلکه کذب بر خدا و بر رسول و بر ائمه معصومین و نیز کذبی که بر مؤمنین باشد و یا ضرر و مفسده ای بر آن مرتب باشد از گناهان کبیره می‌باشد. ایشان در آخر می‌فرماید: «الاحوط کونه من الکبائر» یعنی احتیاط (استجبایی) این است که مطلق کذب را از کبائر بحساب آوریم.

۳- در تحقق کذب قصد جدی معتبر است بنابراین اگر بلا قصد باشد حرام نیست و نیز در صورتیکه هزل و لغو باشد حرام نیست هر چند احتیاط اجتناب از اینها را اقتضاء می‌کند.

۴- توریه حرام نیست.

۵- کذب در صورت اضطرار وجود مصلحت مهم یا دفع مفسده و ضرر و... جائز

است. (مذهب الاحکام، سید عبدالاعلی سبزواری، ج ۱۶، ص ۱۵۷-۱۶۷)

پس همانطور که ملاحظه شد در حرمت کذب اختلافی نبوده بلکه اختلاف و تفاوت آراء و فتاوی در فروعات و جزئیات مسئله است و با این بیان بر حرمت کذب اجماع محقق و محصل وجود دارد.

### دلیل چهارم: ناپسند بودن کذب از نظر عقل

شکی نیست که عقل نسبت به اصل دروغ حکم به حرمت می کند. هرچند بعضی از بزرگان و سوسه کرده‌اند و حتی قائل شده‌اند که عقل، مطلق دروغ را حرام نمی‌داند. در واقع این اعظم خواسته‌اند بگویند دروغ به عنوان اولی در حکم عقل حرام نیست، بلکه به عنوان ثانوی حرام است. یعنی اگر آثار و پیامدهای دروغی حرام باشد، آن دروغ مشمول حکم حرمت می‌گردد، و الا در غیر این صورت حرام نمی‌باشد. به بیان روشنتر، دروغ را فی نفسه «بما انه کذب» قبیح و ضدارزش نمی‌دانند می‌گویند: شما باید نگاه کنید ببینید اگر دروغی که می‌گوئید یا می‌شنوید باعث ضرر و زیان و فساد و تباهی می‌شود! چنین دروغی قطعاً حرام است و جداً بایستی از آن پرهیز کنید. و اما اگر مفسده‌ای ندارد تنش و چالشی در روابط شخصی و اجتماعی و یا حتی سیاسی شما ایجاد نمی‌کند می‌توانید با خیال راحت و از اینگونه دروغها استفاده معقول بنمائید!!!

تمامی عقلاء عالم در تمامی ازمنه و اعصار، دروغ را مذموم و ناپسند دانسته و می‌دانند و کسی را که خبری را با علم به مخالفت خیرش با واقعیت آن را بصورت حقیقت و خبر صحیح و راست برای دیگران ذکر نمی‌نماید سرزنش نموده و مستحق توبیخ و حتی مجازات می‌دانند، این حکم عقل نیز مختص به اهل دین و ملت خاصی نبوده بلکه عقلاء عالم بماهم عقلاء، دروغ را به خاطر در برداشتن مفاسد و زیانهای اجتماعی و اقتصادی و روانی و... از اعمال بسیار زشت و ناروا به حساب آورده و در عاقل بودن کسی که خلاف این حکم عقل را حکم نماید شک نموده و او را از دارا بودن عقل سلیم و وجدان آگاه و بیدار بدور می‌دانند، و این حقیقت می‌تواند به عنوان دلیل محکمی بر حرمت کذب به حساب آید.

در خاتمه با ذکر پنج نکته این بحث را به پایان برده و در فصل بعدی این رساله، به بیان موارد جواز کذب می‌پردازیم.

نکته اول: از مجموع ادله مذکوره فوق بدست می‌آید که کذب حرام است و در حرمت آن فرقی نیست بین اینکه دروغ را به زبان بگوید یا به قلم بنویسد یا با اشاره بفهماند و نیز فرقی نمی‌کند که دروغ را خودش اختراع نموده باشد یا اینکه خبر دروغی را از دیگران گرفته و آن را با علم به کذب بودنش و بدون نقل قول و استناد به گوینده یا نویسنده نقل بنماید.

نکته دوم: از آنجائی که در حرمت کذب تحقق قصد دخیل است لذا آنچه در محاورات متعارف است که مبالغه گوئیهای می‌شود مانند اینکه می‌گوید صد مرتبه فلان حرف را به تو گفتم یا هزار مرتبه فلان کار را از تو دیدم و حال آنکه این عدد واقع نشده است این مبالغه دروغ نیست زیرا معلوم است که عدد مخصوص مورد نظر نیست بلکه مقصود بیان زیاد واقع شدن است و از باب مبالغه و تأکید این عدد را ذکر می‌کنند، آری اگر واقعاً قصد تحقق و وقوع عدد مذکور را داشته باشد و این عدد، تحقق نیافته باشد این کذب محسوب و خبر دروغ و دروغگو در صورت احراز سوء نیت، مستحق عقاب و سرزنش می‌باشد.

نکته سوم: شکی در آن نیست اگر کسی، خبر دروغی را ذکر کند و خود از دروغ بودن خبر مذکور اطلاعی نداشته و با اعتقاد به مطابقت مفاد و مضمون خبر با واقعیت، آن را بیان دارد، این خبر هر چند که خبر دروغ است ولی به لحاظ عدم احراز سوء نیت این مخبر مستحق عقوبت نبوده و حرامی را مرتکب شده است با این بیان برای حرام بودن کذب علم و آگاهی مخبر از عدم مطابقت خبرش با واقعیت شرط است هر چند که در اتصاف یک خبر به خبر صدق یا کذب علم و آگاهی دخیل نمی‌باشد و همانطور که در فصل اول ذکر گردیده علت اشتباه برخی از بزرگان در تعریف کذب، نیز در همین نکته نهفته است و نیز اینکه برخی می‌گویند:

هر خبر دروغی، گوینده‌اش دروغگو، و هر خبر راستی، گوینده‌اش راستگو نیست از همین حقیقت حکایت می‌کند و به این مطلب اشاره دارد یعنی می‌شود کسی خبرش دروغ باشد ولی خودش دروغگو نبوده و مستحق عقاب و مذمت نباشد و عکس آن نیز صادق است.

نکته چهارم: در حرمت دروغ بین دروغ کوچک و دروغ بزرگ فرقی نیست هر چند که دروغ دارای مراتب مختلف بوده و حرمت و قبح بعضی از انواع آن همچون دروغ بر خدا و بر

رسول و بر ائمه و نیز بر مؤمنین و یا دروغ متضمن مفسده و مضار نیست به سایر دروغها از شدت وحدت بیشتری برخوردار بوده و مجازات بیشتری را دارا می‌باشد.

نکته پنجم: همانطور که دروغ بر دروغگو حرام است نقل دیگری هم حرام و همچنین ثبت کردن و نوشتن یا خواندن و گوش دادنش هم حرام می‌باشد و درجائی از قرآن در مذمت یهود و منافقان آمده است: که از صفات آنها در سماعون للكذب بودن است. و نیز از آیه شریفه... و اجتنبوا قول الزور» از سخن زور(باطل و دروغ) پرهیزید» نیز می‌شود حرمت استماع کذب را استفاده نمود، علاوه اینکه: شکی در اثم بودن دروغ نیست و تعاون بر اثم و عدوان نیز به حکم صریح قرآن حرام و گناه است و استماع دروغ در حقیقت تعاون بر اثم بوده و از این جهت شکی در حرمت آن نمی‌باشد. و رابعاً اینکه در روایات اهل بیت عصمت و طهارت (ع) نیز به این مسأله تصریح شده و استماع کذب را از محرّمات دانسته و لزوم اجتناب از آن را مطرح نموده‌اند.



## انواع دروغ

۱- از جمله دروغهائی که مردم آن را سهل می‌دانند و در واقع حرام است آن است که کسی وارد شود بر دیگری که مشغول اکل باشد و او را تکلیف کند به خوردن طعام و او گرسنه باشد و بگوید اشتها ندارم. بدون غرض صحیح شرعی مثل آنکه طعام را حرام داند و نخورد، دروغ محسوب می‌گردد.

۲- از جمله دروغهائی متعارف که از گناهان شدید و غائله آن عظیم است آن است که می‌گویند خدا می‌داند که چنین است و حال اینکه خدا می‌داند که چنین نیست و خدا خلاف آنرا می‌داند و از عیسی بن مریم منقول است که این اعظم گناهان است در نزد خدا و در بعضی روایات رسیده است که چون بنده خدا را گواه گیرد بر امر خلاف واقعی خداوند عالم گوید از من ضعیف‌تریافتی که مرا بر این امر دروغ شاهد آوردی؟!

۳- از جمله انواع دروغ بلکه شدیدترین و بدترین آنها شهادت دروغ است و پیامبر بزرگوار رسول خدا(ص) فرمود کسی را که شهادت دروغ بدهد بابت پرست مساوی گرفته است.

۴- یاد نمودن قَسَم دروغ است و حضرت رسول اکرم(ص) فرمودند کسی که متاع خود را به قَسَم دروغ بفروشد از جمله کسانی است که خدای تعالی در روز قیامت با او سخن نمی‌گوید و

نظر رحمت بر او نمی‌افکنند و عمل او را قبول نمی‌کنند بلکه قَسَم بسیار خوردن راست هم مذموم است و نام بزرگ مالکِ عَلَامِ الْغُیُوب را به سبب هر جزئی حقیر در میان آوردن سوء ادب است، و در حدیثی وارد است که خدای تعالی فروشنده را که بسیار قَسَم خورد دشمن دارد و از احادیث مستفاد می‌شود که قَسَم بسیار خوردن باعث تنگی روزی و فقر می‌گردد.

۵- از دروغها خلف وعده نمودن است و آن نیز حرام است و وفای بشرط و وعده واجب و لازم است. حضرت پیامبر(ص) فرمود که هر که ایمان به خدا و روز جزاء دارد باید چون وعده نماید به آن وفا کند و هرکس کسی را که وعده کند و عزم وفای به آن نداشته باشد و از جمله منافقین شمرده می‌شود.

### بقول شاعر:

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم که در طریقت ما کافر است رنجیدن

۶- دروغهائی که اکثر مردمان به آن مبتلا و بدترین انواع دروغهاست دروغ گفتن با خداست که آدمی مطلبی را در نماز به خدا عرض کند و از آن در خدمت آن جناب خبر دهد و بر خلاف آن واقع شود. مثل اینکه چون داخل نماز شود بگوید: «وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض» یعنی متوجه ساختم روی دل خود را به خداوندی که آسمانها و زمین را آفرید و در آن وقت دل او از این مطلب بی‌خبر باشد و در کوچه و بازار و حجره و دکان به صد هزار فکر بیهوده مشغول باشد در آن وقت در آنچه عرض کرده دروغ است و در خدمت پروردگار و حضور ملائکه به چنین دروغی اقدام نموده و هم چنین چون می‌گوید: «ایاک نعبد و ایاک نستعین» یعنی خدایا تنها ترا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم و بس، یاری و استعانت و مددکاری تو می‌خواهم و بس، زمانی راست است که دنیا و آخرت در نظر او بی‌اعتبار و ذره‌ای از دین خود را در مقابل همه دنیا ندهد چه اگر چنین نباشد دنیا پرست خواهد بود و باید امید یاری و چشم مددکاری از احدی به جز ذات پاک یاری نداشته باشد والا در عرض این مطلب کاذب خواهد بود و چه زشت است بنده و عبدی که در حضور پروردگار خود ایستاده باشد به دروغگوئی مشغول گردد و بداند که خداوند از اسرار او واقف و دردل او خبر دارد، زهی بیشرمی و بی‌آذرمی که چنین دروغی به خداوند نسبت دهد.

### مراتب دروغ

هر چند جمعی از فقهاء عظام مانند شهید ثانی علیه‌الرحمه دروغ را بطور کلی از گناهان

کیبیره دانسته اند، لکن پس از مراجعه به اخبار و روایات وارده، که دروغ دارای مراتبی است که بعضی از آنها قطعاً کیبیره و برخی اکبر کبائر ولی پاره‌ای کیبیره بودنش مشکوک است و برای مزید اطلاع مراتب دروغ ذکر می‌شود:

### ۱- دروغ بر خدا

بدین ترتیب مراتب دروغ بر خدا در سوره نحل به آن اشاره شده است.

«ولا تقولوا لما تصف السنتکم الکذب هذا حلال و هذا حرام لتفتروا علی الله الکذب، ان الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون متاع قلیل و لهم عذاب الیم.» (سوره نحل، آیه ۱۱۷) یعنی نگوئید چیزی را که بر زبانهای خود وصف می‌کنید دروغ را و مگوئید حلال است و این حرام است تا افتراء کنید بر خدا دروغ راجز این نیست آنانکه به خدا دروغ می‌بندند از عذاب خدا در دنیا و آخرت رستگار نیابند و در دنیا بهره قلیلی دارند و برای ایشان در آخرت عذاب دردناک است.

امام صادق (ع) فرمود: دروغ بر خدا و رسول خدا از گناهان کیبیره است.

امام باقر (ع) فرمود: یک دروغ از قول ما مگو زیرا که آن دروغ ترا از دین حنیف اسلام

خارج می‌کند. (اصول کافی)

یعنی به واسطه این دروغی که بما بستی نور ایمان از دلت می‌رود و اگر این قسم دروغ در حال روزه باشد در صورت عمد موجب بطلان روزه هم می‌شود.

دروغ به هرچه باشد فرقی در حرمت دروغ نیست بین اینکه دروغ را بر زبان بگوئید یا به قلم بنویسد یا به اشاره بفهماند و نیز فرقی ندارد بین اینکه دروغی را که می‌گوئید در کتابی دیده باشد و خودش نسبت دهد و یا اختراع خودش باشد. ترجمه به خلاف، هم دروغ است.

معنی دروغ بر خدا و پیامبر (ص) این است که مطلبی را به دروغ به ایشان نسبت دهد خواه این امر دین باشد یا دنیا، مثلاً بگوئید خداوند به فلان پیغمبر (ص) چنین وحی فرموده است و مثل اینکه جمله‌ای که از قرآن نباشد به قرآن نسبت دهد یا اینکه آیه قرآن را ترجمه به خلاف نماید.

لذا کسانی که می‌خواهند روی منبر یا میز خطابه یا جای دیگر قرآن را ترجمه نمایند بدانند که در معرض خطر بزرگی هستند زیرا در ترجمه آیات اولاً لازم است که قوانین عربی را کاملاً خوانده و فهمیده باشد. ثانیاً قوه فهم ظاهر آیات را داشته باشد. ثالثاً فقط آیاتی را که دلالتش

واضح است ترجمه کند و از معنی کردن تشبیهات پرهیزد.

### ۲- دروغ بر پیغمبر (ص) و امام (ع)

اما دروغ بر پیغمبر (ص) و امام آن است که حدیثی را در پیش خود اختراع کند و به آنها نسبت دهد یا حدیثی از کسی بشنود یا در کتابی ببیند و یا اینکه می‌داند دروغ است مع الوصف به پیغمبر (ص) و امام (ع) نسبت دهد، بلی اگر حدیثی را از روی قرائن موجوده یقین به صحتش کند که از امام (ع) رسیده جایز است نقل کند و آن را به معصوم نسبت دهد.

حضرت امام باقر (ع) فرمود:

نقل حدیث مکن مگر از شخص ثقه و گرنه دروغگو خواهی بود و دروغ سبب ذلت و خواری نزد خدا و خلق است. حضرت امیرالمؤمنین به حارث همدانی فرمود نقل مکن برای مردم هر چه را که شنیدی که همین (بی‌مالاتی در نقل) کافی است در دروغگوئی.

علاوه بر آنچه ذکر شد باید کاملاً حدیث را مطابق آنچه ثبت شده نقل کند بدون اینکه کلمه‌ای بر آن بیفزاید یا کلمه‌ای که موجب نقص یا عوض شدن معنی می‌شود از آن بیاندازد و گرنه مشمول این حدیث شریف که از رسول خدا نقل شده می‌شود حضرت فرمود کسی که دروغ گوید و از من چیزی را نقل کند که من نگفته‌ام نشیمنگاهش از آتش جهنم پر خواهد شد.

در کتاب دارالسلام نوری است که در کرمانشاه شخصی خدمت عالم کامل آقا محمدعلی صاحب مقام رسید و عرض کرد در خواب دیدم به دندان خود گوشت بدن مبارک حضرت سیدالشهداء امام حسین (ع) را می‌کنم، تعبیرش چیست؟

آقا او را نمی‌شناخت سربریز انداخت و متفکر شد پس به او فرمود شاید روضه خوانی می‌کنی عرض کرد بلی، فرمود یا ترک کن یا از کتب معتبره نقل کن.

### ۳- سوگند و شهادت و کتمان

از اقسام دروغ، دروغهائی است که از روی هزل و مزاح و شوخی برای تفریح و خنده و غیره گفته می‌شود، مثل اینکه شخص ساده لوح خوش باوری بگوید فلان زن مایل ازدواج با توست یا فلان شخص امشب ترا به مهمانی دعوت کرده است یا فلان مال را بتو حواله نموده و نظائر اینها. مقتضای اخبار عامه‌ای که دلالت حرمت مطلق کذب دارد، آن است و جمعی از فقهاء

صریحاً فتوی به حرمت آن داده‌اند و بعضی از فقهاء تفصیل داده‌اند و فرق گذارده‌اند بین جائی که قرینه‌ای بر نبودن قصد جدی در کلام است و جائی که قرینه‌ای نیست با بودن نشانه بر مزاح و شوخی جائز و گرنه حرام خواهد بود ولی احتیاط آن است که حتی با بودن قرینه بر هزل هم از این قسم شوخیهایی که متضمن کذب است خودداری شود. «باید از هرگونه دروغ پرهیز کرد.»

امام سجاده(ع) فرمود:

از هر دروغ پرهیزید کوچک یا بزرگ، هزل یا جد. «قال السجاد(ع) اتقوا الکذب الصغیر منه والکبیر فی کل جد و هزل» (اصول کافی)

از جمله سفارش پیامبر اکرم(ص) به اباذر فرمود:

ای اباذر به درستیکه شخص در مجلس کلمه ای می‌گوید که اهل آن مجلس را بخنداند پس به سبب آن در طبقات جهنم فرو می‌رود. وای کسی که سخن دروغ بگوید تا اجتماعی بخندند وای بر او وای بر او.

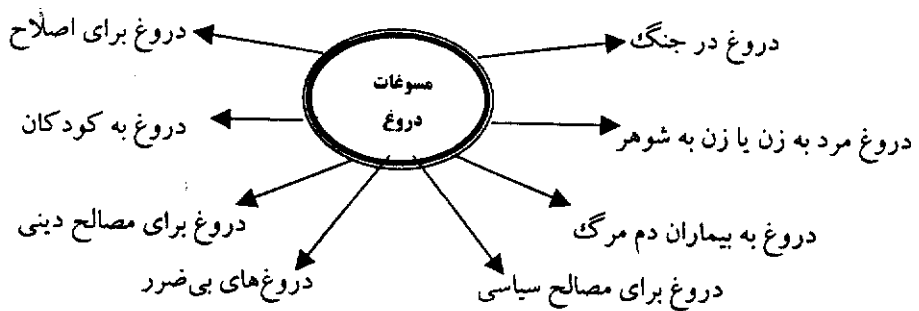
ای اباذر هر که خاموش شد نجات یافت بر تو باد به راستگویی و هیچوقت از دهان خود دروغی را بیرون مینکن. ابوذر گفت:

یا رسول الله(ص) توبه کسی که عمداً دروغ بگوید چیست. فرمود:  
استغفار و نمازهای پنجگانه لوث این گناه را پاک می‌کند.

گوش دادن به دروغ هم حرام است. باید دانست همانطوریکه دروغ بر دروغگو حرام است نقل دیگری هم حرام و همچنین ثبت کردن و نوشتن و خواندن و گوش دادنش هم حرام می‌باشد. در چند جائی از قرآن در مذمت یهود و منافقون می‌گوید:

سماعون للکذب و شیخ صدوق از حضرت امام صادق(ع) روایت کرده که از آن حضرت پرسیدند آیا گوش دادن به قصه گو حلال است. فرمود: نه، هر کس گوش به سخن گوینده‌ای بدهد، و او را پرستیده، پس اگر از خدا سخن گوید یعنی راست و حق گوید، گوش کننده خدا را پرستیده و اگر از ابلیس سخن گوید یعنی دروغ و باطل بگوید، ابلیس را پرستیده است.





### ۱. دروغ در جنگ:

روشن است که از مهمترین کارها در جهان جنگ، و صلح است و در این دو گریزی از دروغ نیست، برای اینکه پیامبر اسلام (ص) فرمود الحرب خدعه: جنگ نیرنگ است.

مجاز بودن دروغ در جنگ از مسلمات نظام اخلاقی و اسلامی است، و هیچ کس در اصل آن تردید نکرده است. فقیهان، محدثان و عالمان اخلاق غالباً طی بابتی تحت عنوان «الکذب فی الحرب» احادیث و اقوال مربوطه را گردآورده و درباره مفهوم آن بحث کرده اند. البته عده‌ای از فقیهان و محدثان مقصود از دروغ در جنگ مناقشاتی دارند که در اینجا گنجایش آن بحث را ندارد.

روایات بسیاری از شیعه و سنی از رسول خدا (ص) نقل کرده‌اند که پیامبر اسلام فرمودند الحرب خدعه: جنگ نیرنگ است و این حدیث از مسلمات فقه و اخلاق است حاصل معنی این حدیث این است که جنگ عرصه نیرنگ باختن است و رزمندگان اسلام می‌توانند تا زمانی که آتش جنگ برافروخته است آن چه می‌خواهند بکنند هرگاه رسول خدا (ص) عازم جنگی می‌شد چنان وانمود می‌کرد که می‌خواهد مسیر دیگری را پیماید و می‌فرمود: الحرب خدعه، و یا روایت دارد وقتی حضرت علی (ع) به جنگ عمر و بن عبدود رفت، به او گفت ای عمرو! تو جنگاور عرب هستی آیا برایت کافی نبود که من به جنگ تو آمدم که دیگری را بر ضد من به یاری خواسته‌ای؟ عمرو به پشت سر خود نگاه کرد تا ببیند چه کسی به یاری او آمده است و حضرت از یک لحظه غفلت او استفاده کرد با شمشیر هر دو پای او را قطع کرد...

و چون نزد پیامبر اسلام (ص) رفت حضرت به او فرمود ای علی! به او نیرنگ زدی؟ پاسخ داد، آری. چون جنگ نیرنگ است. از این نمونه بارها، و بارها در جنگ اتفاق افتاده و رخ می‌دهد. عدی بن حاتم می‌گوید: امیرالمؤمنین (ع) هنگام برخورد معاویه در جنگ صفین، با صدای بلند فرمود: قسم به خداوند با معاویه و اصحاب او نبرد خواهم کرد، ولی به دنبال آن آهسته فرمود:

ان شاء الله! گفتیم یا علی(ع)! شما با صدای بلند از نبرد سخن می‌گویید ولی با صدای آهسته ان شاء الله می‌گوئی؟ فرمود: جنگ خدعه است و من دروغگو نیستم، غرض از این کار برانگیختن یارانم برای جنگ است تا متفرق نشوند سپس حضرت این آیه را گواه کار خود آورد که خداوند به موسی(ع) فرمود: فَقَوْلَاهُ قَوْلًا لَنَا لَعَلَّ يُتَذَكَّرُ أَوْ يُخْشَى، خداوند می‌دانست که فرعون متذکر نمی‌شود، ولی به جهت برانگیختن موسی(ع) برای رفتن به سوی فرعون این گونه سخن گفت. (اصول کافی ص ۴۶۰ تفسیر نور جلد ۷).

## ۲. دروغ برای اصلاح (و یا مصلحت آمیز)

دومین موردی که دروغ گفتن در آن مجاز شمرده شده است دروغ برای اصلاح است که همه عالمان اخلاق و فقیهان و محدثان آن را تأیید کردند. که اصلاحگر، دروغگو نیست. جابر ابن عبدالله از رسول خدا(ص) نقل می‌کند که ایشان فرمود: لَا يَحِلُّ الْكُذْبُ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: يَحْدِثُ الرَّجُلُ امْرَأَةً لِيَرْضِيَهَا وَ الْكُذْبُ فِي الْحَرْبِ وَ الْكُذْبُ لِيُصْلِحَ بَيْنَ النَّاسِ - دروغ جز در سه مورد روا نیست مردبازن خویش سخن گوید تا خشنودش کند، دروغ در جنگ، و دروغ برای آن که میان مردم اصلاح کند امام صادق(ع) فرمود: الْمُصْلِحُ لَيْسَ بِكَذَّابٍ امام صادق(ع) فرمود: اصلاحگر، دروغگو نیست.

عموماً از این روایات چنین استنباط کرده‌اند که هرگاه میان دو تن یا دو گروه اختلاف بوده شخص اصلاحگر می‌تواند دروغ‌هایی به سود طرفین بیافد و نزد هر یک رفته به او بگوید فلانی یا فلان گروه از شما تعریف و تمجید می‌کرد، بدین ترتیب میان آنها الفت ایجاد کند و آنان را به یکدیگر متمایل سازد.

راستی از آن جهت که راستی است خوب است و باید راست گفت، و دروغ از آن جهت که بد است و نباید دروغ گفت، ولی آیا راست را در همه جا می‌توان گفت و دروغ در همه جا گفتنش حرام است؟ یک جاهایی قطعاً دروغ گفتن واجب است، اما راست گفتن در همه جا واجب نیست در برخی موارد حتی راست را نباید گفت و چیز عجیبی است که اخیراً عده‌ای به سعدی حمله می‌کنند که او گفته است (دروغ مصلحت آمیز به از راست فته انگیز است) بسیار حرف درستی است. ولی عده‌ای می‌گویند کسی که دروغ می‌گوید لابد مصلحتی را در نظر دارد نه، دروغ منفعت آمیز، غیر از دروغ مصلحت آمیز است.

راست را انسان چرا می‌خواهد بگوید؟ برای مصلحت اجتماع. دروغ را چرا نباید گفت؟ چون بر خلاف مصلحت اجتماع است.

ولی اگر یک جایی همان دروغ به مصلحت اجتماع و فرد باشد، بدیهی است که باید آن را گفت: خیلی‌ها از جمله «موسیو جردن» رئیس کالج آمریکایی‌ها حمله کرده‌اند به سعدی که چرا گفته است دروغ مصلحت‌آمیز به از راست فتنه‌انگیز است.

سعدی (ره) در کتاب گلستان باب اول در سیرت پادشاهان این چنین فرموده است. پادشاهی را شنیدم بکشتن اسیری اشارت کرد بیچاره در آن حالت نومیدی ملک را دشنام دادن گرفت و سقط گفتن که گفته‌اند هر که دست از جان بشوید هرچه در دل دارد بگوید. ملک پرسید چه می‌گوید یکی از وزرای نیک محضر گفت ای خداوند همی گوید: والکاظمین الغیظ والعافین عن الناس، ملک را رحمت آمد و از سرخون او درگذشت، وزیر دیگر که ضد او بود گفت انبیای جنس ما را نشاید در حضرت پادشاهان جز برآستی سخن گفتن این ملک را دشنام داد و ناسزا گفت ملک روی از این سخن در هم آمد و گفت آن دروغ وی پسندیده‌تر آمد مرا زین راست که تو گفتی که روی آن در مصلحتی بود و بنای این بر خبیثی و خردمندان گفته‌اند دروغی مصلحت‌آمیز به که راستی فتنه‌انگیز.

هر که شاه آن کند که او گوید حیف باشد که جز نکو گوید

هر کذبی صاحبش روزی مورد سؤال و بازخواست قرار می‌گیرد مگر دروغی که در سه مورد گفته شده باشد: مردی که در جنگ کید بخرج داده و دروغ گفته، این دروغ از وی مرفوع بوده و بواسطه‌اش او را مؤاخذه نمی‌کنند. یا مردی که بین دو نفر را با دروغ اصلاح و آشتی دهد باین نحو که با این ملاقات کند بغیر آنچه با آن ملاقات نموده یعنی اگر یکی از آنها نسبت به دیگری حسادت و توهینی کرده وی خلاف آنرا بشخص مقابل نقل نماید و قصدش از این عمل اصلاح بین آنها باشد. یا شخص که به اهل و عیالش وعده‌ای دهد و قصدش عملی ساختن آن نباشد.

و بهمین مضمون که در این روایت آمده و کذب را در این سه مورد استثناء کرده است. امام صادق (ع) فرمود: راجع به شخصی کلامی بشنوی که وقتی بوی رسید حالش را بهم بزند، پس

تو بگویی: از فلانی شنیدم که درباره‌ات خوبی تو را می‌گفت بخلاف آنچه شنیده‌ای. و از مرحوم صدوق در کتاب الاخوان، بسندش، از مولانا ابی الحسن الرضا(ع) منقولست که حضرت فرمودند: بسا شخصی بواسطه گفتن کلام راست دیگری او را به مشقت و رنج می‌اندازد این شخص نزد خداوند کذاب است و بسا شخص بدیگری دروغ گفته و قصدش نفع او می‌باشد این شخص پیش خداوند صادق است. (نقل از کتاب مکاسب محرم شیخ انصاری)

مخفی نماند که بواسطه دو امر می‌توان مرتکب دروغ شد: امر اول عبارتست از اضطرار بآن که در این فرض به ادله اربعه (کتاب، سنت، عقل، اجماع) جائز می‌باشد. اما از قرآن می‌توان به دو آیه استدلال کرد.

۱. الا من اکره و قلبه مطمئن بالايمان، مگر کسیکه مورد اکراه واقع شده در حالیکه دلش به ایمان محکم و استوار است. «تقریب استدلال»

قبل از این آیه خداوند می‌فرماید: انما یفتري الکذب اللذین لا يؤمنون بآيات الله و اولئک هم الکاذبون. پس در این آیه خداوند افراد مذکور را کاذب معرفی نموده و سپس در آیه بعدی که مورد استشهاد است شخص مضطر و مکره را از آن استثناء می‌فرماید. پس معلوم می‌شود اضطرار از مجوزات کذب می‌باشد و فاعل آن مرتکب گناهی نشده است.

۲. لا يتخذ المؤمنون الکافرين اولياء من دون المؤمنین و من یفعل ذالک فلیس من الله فی شئ الا ان تتقوا منهم تقیه (آیه ۲۸ سوره آل عمران) یعنی اهل ایمان کفار را دوست برای خود نگیرند و کسیکه چنین کند رابطه‌اش با خدا قطع و بریده می‌باشد مگر برای درحذر بودن از شرایشان بآن مبادرت نماید. در این آیه شریفه خداوند ضرورت و اجبار را مجوز ارتکاب حرام یعنی دوست قرار دادن کفار برای خود قرار داده است و چون از نظر کبیره بودن بین آن و کذب فرقی نیست پس می‌توان همین اضطرار را نیز مسوغ و مجوز برای ارتکاب کذب نیز قرار داد. اما اخبار و سنت به حدیث ذیل متمسک می‌توان شد.

ما من شیء الا وقد اهل الله لمن اضطرألیه: یعنی نیست چیزی مگر آنکه خداوند آنرا برای کسیکه مضطر باشد حلال نموده، در احادیث باین مضمون وارد شده است الضرورات تبیح المحظورات. (یعنی ناچارها و ضرورتها ممنوعات را تجویز می‌کند)

و نیز می‌توان گفت این مضمون که قسم به دروغ خوردن بمنظور دفع ضرر بدنی یا مالی

از خود یا برادر دینی ایمانی بسرحداً استفاضه یا تواتر رسیده است. اما اجماع: باید بگوئیم: اجماع بر جواز دروغ در مورد ضرورت خیلی روشن تر و آشکارتر است از اینکه ادعا شده و یا حکایت گردد.

### بطور کلی دروغ در موارد زیر تجویز شده است:

۱- در جایی که اگر مرتکب دروغ نشود مفسده‌ای بر آن مترتب یا ضرری به خود می‌رسد یا باعث قتل مسلمانی، یا بر باد رفتن عرض، یا آبروی مسلمانی، یا از بین رفتن مال او بشود که در این صورت جایز است بلکه واجب است دروغ بگوید. پس اگر ظالمی کسی را بگیرد و از مال او بپرسد جایز است انکار کند یا جابری او را بگیرد و از عمل بدی که میان خود و خدای خود کرده باشد سؤال کند جایز است که بگوید نکرده‌ام و همچنین هر که پرسد از کسی از معصیتی که از او صادر شده باید اظهار آن نکند و اظهار گناه گناهی دیگر است. اگر از عیب و مال مسلمانی از او استفسار کند جایز است انکار او بلکه در همه این صور واجب است.

مثلاً اگر ظالمی می‌خواهد مسلمانی را بگیرد و بکشد یا بزند و آبروی او را بریزد - مالش را ببرد یا زندانش کند از شما محلش را می‌پرسد اگر شما بروز دهید مرتکب حرام شده اید و واجب است انکار نمائید و اگر لازم شد قسم هم یاد کنید که محلش را نمی‌دانید و مثل اینکه مال مسلمانی نزد شما امانت است و ظالمی آن مال را مطالبه می‌کند واجبست انکار نمائید و چنانچه دفع شرش به قسم می‌شود واجبست قسم یاد کنید.

روایات وارده در این مقام بسیار است. از آن جمله: شیخ انصاری علیه الرحمه در مکاسب نقل نموده از حضرت صادق (ع) از امیرالمؤمنین (ع) که رسول خدا (ص) فرمود قسم دروغ به خداوند یاد کن و برادر مسلمانان را نجات ده (وسائل الشیعه، کتاب الایمان، جلد ۲)

در صحیفه اسماعیل بن سعد از حضرت رضا (ع) است که می‌گوید از حضرت (ع) پرسیدم راجع به کسی که برای نجات از شر شیطان قسم دروغ بخورد که فلان مال را ندارم حضرت فرمود ضرری ندارد و پرسیدم آیا قسم دروغ برای حفظ مال دیگری از مسلمانان چطور است؟ فرمود ضرری ندارد.

حضرت صادق (ع) فرمود: قسم دروغی که کفارۀ ندارد بلکه برای صاحبش اجر و ثواب

ثبت می‌شود قَسَمی است که برای خلاصی جان یا مال مسلمانی از شرظالمی مانند دزد و غیره یادشود.

۲- اصلاح ذات البین: در وقتی که میان دو کس ملال و کلالی باشد جایز است که کسی از برای اصلاح میان ایشان دروغی از زبان هر یک به دیگری بگوید تا رفع فساد بشود و همچنین هرگاه از خود شخصی سخنی سرزده باشد یا عملی صادر شده باشد که اگر راست بگوید باعث فتنه یا عداوت مؤمنی یا فساد شود جایز است که انکار آنرا کند و اگر کسی مکدر شده باشد و رفع آن موقوف باشد انکار سخنی که گفته باشی یا عملی که کرده باشی جایز است انکار آن کند. یا اینکه به سبب دروغ از پیدا شدن کینه و دشمنی میان دو نفر مسلمان جلوگیری می‌شود مثل اینکه بین زن و شوهری بی مهری پیدا شده و ممکن است بینشان جدائی افتاده به طلاق منجر شود جایز است دروغ بگوید.

مثلاً زن تو در فراق سخت ناراحت است و شدت علاقه‌اش به تو طوری است که شاید مریض شود، به زن هم سخنانی بدین مضمون بگوید و سبب این دروغ بین ایشان را التیام داده از جدائی جلوگیری کند.

حضرت صادق(ع) فرمود: کلام بر سه قسم است:

**راست - دروغ - اصلاح بین مردم**

کسی پرسید فدایت شوم، اصلاح بین مردم چیست؟

فرمود: از مردی کلامی می‌شنوی، اگر آن را به دیگری برسانی او را ناراحت و مکدر می‌کنی پس به او می‌گویی از فلانی شنیدم که درباره تو از خیر چنین و چنان گفت، خلاف آنچه که از او شنیده‌ای.

«عن الصادق(ع): الکلام ثلثه - صدق و کذب و اصلاح بین الناس قیل له جعلت فداک و ما الاصلاح بین الناس قال(ع) تسمع من الرجال کلاماً تبلغه فتتجبت نفسه فتقول سمعت فلاناً قال فیک من الخیر کذا و کذا.» (وسائل الشیعه)

قال الصادق(ع) المصلح لیس بکذاب و حاصل کلام این است که اگر کسی بشما پیغام تندی می‌دهد که به کسی برسانی و او را آزرده خاطر سازی و شما برای اصلاح بین ایشان خلاف آنچه شنیده‌اید به آن شخص می‌گویید که فلانی تعریف تو را کرده و چنین و چنان در خوبی تو

گفت. در این صورت دروغ اشکالی ندارد.

در صحیحہ معاویہ بن عمار از حضرت صادق(ع) است که می‌فرماید: اصلاح کننده کذاب نیست هر چند لفظ کذاب صیغه مبالغه است اما برای اصلاح بسیار دروغ هم بگوید دروغگو نیست.

۳- هرگاه زن چیزی از شوهر بخواهد که قادر نباشد یا قادر باشد اما بر او واجب نباشد جایز است که به او وعده دهد که می‌گیرم اگر چه قصد گرفتن نداشته باشد و آنرا هم نگیرد و همچنین هرگاه کسی را که زنان متعدده باشد جایز است که به هر یک بگوید من تو را دوست دارم اگر چه مطابق واقع نباشد.

۴- هرگاه طفلی را به شغلی مأمور سازی و او رغبت به آن نکند از مکتب رفتن یا شغلی دیگر جایز است که او را وعده دهی یا بترسانی که با تو چنین و چنان خواهم کرد اگر چه منظور تو کردن آن نباشد.

۵- در جهاد و حرب نمودن با اعداء دین اگر به دروغ خدعه توان نمود که سبب ظفر یافتن بر دشمنان دین شود و حاصل کلام آن است که در موضعی که فایده مهمه شرعیه بر آن مترتب شود و تحصیل آن موقوف به کذب باشد جایز است دروغ و اگر بر ترک دروغ مفسده شرعیه و مترتب شود واجب می‌شود و باید از حد ضرورت و احتیاج تجاوز نکرد و دروغ گفتن در تحصیل زیادتی مال و منصب و امثال اینها از چیزهایی که آدمی مضطر به آنها نیست حرام و مرتکب آن و گناهکار است و بدانکه در هر مقامی که دروغ گفتن بحسب شرع رواست تا توانی در آن دروغ صریح مگوی بلکه توریه کن یعنی سخنی بگویی که ظاهر معنی آن راست باشد اگر چه آنچه را شنونده از آن می‌فهمد دروغ بوده باشد تا نفس عادت به دروغ نکند مثل اینکه بعد از آنکه ظالمی از مکان کسی سنوال کند بگو خدا بهتر می‌داند که کجاست یا عالم الغیب خدا است یا بگوید سراغ او را در مسجد بگیر اگر دانی که در مسجد نیست و اگر از گناهی که از تو صادر شده استفسار کند بگو خدا نخواسته باشد یا نخواسته است که من چنین عملی کنم یا بگو استغفراله یا پناه بخدا اگر چنین کاری کرده باشم یا اگر سخنی در حق کسی گفته باشی و خواهی به انکار، رفع ملال او را به کسی بگو که احترام تو از آن بیشتر است که چنین سخنی در حق تو توان گفت و امثال اینها و آنچه متعارفست که می‌گویند صدمرتبه فلان سخن را به تو گفتم یا هزار مرتبه فلان

مکدر واقع شده باشد و همچنین جایز است انواع مجازات و استعارات و تشبیهات که مراد از آنها حقیقت آنها نیست.

**اما عقل:** عقل بطور مستقل حاکمست باینکه در دوران امر بین دو قبیح واجب است اقل القبیحین را مرتکب شد اعلم از آنکه اقل را بر قبیح خود باقی دانسته یا بواسطه غلبه داشتن اکثر بر آن قبیحش را منتفی بدانیم.

مرحوم شیخ انصاری (ره) می فرماید: در آنچه ذکر نمودیم اشکال و ایرادی نبوده تنها اشکال در این است که آیا در وقت اضطرار برای کسیکه بر توره قادر است این فعل واجب بوده یا لزومی نداشته و می تواند مرتکب دروغ گردد.

أَمَّا يَقْتَرِي الكذب الذین لایؤمنون بآیات الله واولئک هم الکاذبون. (سوره نحل آیه ۱۰۵ ص ۸۲) در این آیه شریفه خداوند متعال کاذب و دروغگو را غیر مؤمن به آیات خدا و کافر بآنها معرفی فرموده، پس معلوم می شود که کذب در عرض کفر و هم تراز با آن می باشد و واضح است که کفر از معاصی کبیره بوده و بنابراین کذب هم از گناهان کبیره است. و بخاطر همین معنی است که جماعتی از فقهاء همچون فاضلین و شهید ثانی رحمه الله علیهم در ظاهر کلماتشان بطور مطلق کذب را از کبائر قرار داده بدون اینکه خبر دروغ که بر آن مفسده بار شده و کذبی که بر آن هیچ چیز مرتب نشود فرقی گذارده باشند یعنی فرمودند حرمت کذب نفسی است نه مقدمی و غیره.

مرحوم شیخ انصاری در مکاسب می فرماید: کذب بطور مطلق و بدون قید و شرط کبیره نمی شود و می فرماید کذب بر خدا و رسول خدا فقط گناه کبیره است و مطلق اکاذیب را نمی توان کبیره دانست. و در مرسله سیف بن عمیره از مولانا ابی جعفر علیه السلام اینطور آمده: حضرت علی بن الحسین (ع) به فرزندشان می فرمایند. از دروغ بپرهیزید چه صغیره و چه کبیرش جدی بوده یا شوخی باشد زیرا شخص وقتی دروغ کوچک گفت بر کبیره و بزرگ آن نیز جرئت پیدا می کند... بنابراین نتیجه می گیریم که کبیره بودن کذب باعتبار مفسدی است که بر آن مرتب می شود. اگر مفسدی نداشته باشد کبیره نیست.

### ۳. دروغ مرد به زن و یازن به شوهر:

احادیثی که قبلاً نقل شده بود سه مورد از دروغ را مجاز می شمرد که یکی از آن نیز



دروغ به زن بود این مطلب تقریباً مورد قبول همه عالمان اخلاق و فقیهان واقع شده است و آنان به هنگام بیان موارد استثناء این مورد را نام بردند. مرحوم نراقی یکی از مواضعی را که دروغ گفتن در آن جایز است می‌فرماید: هرگاه زن چیزی از شوهر بخواهد که قادر نباشد یا قادر باشد اما بر او واجب نیست، جایز است به او وعده دهد که می‌گیرم اگر چه قصد او گرفتن نباشد. (کتاب معراج السعاده ص ۵۷۵)

مرحوم صدر(ره) نیز این استثناء را نشانه اهمیت زندگی زناشویی در اسلام و لازمه خوشبختی زن و شوهر می‌داند و می‌گوید اسلام کاخ سعادت زناشویی را همیشه برپا می‌خواهد و برای حفظ این کاخ که خوشبختی دوتن یا بیشتر در آن می‌باشد، وعده دادن دروغ را اجازه داده است. شوهر اگر بتواند تقاضای زن را انجام دهد بهتر است که انجام شود. و اگر نتواند یا صلاح نباشد باز هم تلخی زندگی زن و شوهر را نخواسته است.

زن عواطفش لطیف است نبایستی نومید گردد. پس این دروغ جایز است. و بلکه سودمند است. مهمترین سند همان روایتی است که ام کلثوم بنت عقبه از رسول خدا(ص) نقل می‌کند و ابن شهاب هم نقل کرده است: (کتاب معراج السعاده ص ۵۷۵ و کتاب صحیح مسلم شرح یحیی بن مشرف النووی).

ولم اسمع برخص فی شیء هما یقول الناس کذباً الا فی ثلاث، الحرب و الاصلاح بین الناس و حدیث الرجل امرأته و حدیث المرأه زوجها. (کتاب معراج السعاده ص ۵۷۵ و کتاب صحیح مسلم شرح یحیی بن مشرف النووی).

نشیده‌ام که در آن چیزی مردم دروغ می‌گویند جز سه مورد جایز باشد. جنگ، اصلاح میان مردم و گفتگوی مرد با زن خود و گفتگوی زن با شوهر خویش.

ظاهراً این مسئله میان قدما مسلم بوده است و آنان کذب را برای طرفین جایز می‌دانستند و هنگام شرح این حدیث بدان اشاره می‌کردند، لیکن بتدریج سنت اخلاقی ما بر آن رفته است که این اجازه را تنها مختص مردان بدانند و در آن باب بحث کند، حتی در منابع فقهی مسلم شمرده شده است که فقط مردان حق دارند به زن خود دروغ بگویند.

و کتابهای اخلاقی فقط دروغ مرد به زن را مجاز می‌دانند و نظر آیه... نراقی و صدر مؤید این مطلب است. چون بسیاری از اوقات در اثر زیاده‌طلبی و چشم و هم‌چشمی تقاضای خانواده فراتر از امکانات مرد و بیش از حد کفاف است در چنین وضعی مرد بر سر دو راهی قرار می‌گیرد، بخاطر اینکه بتواند الفت ایجاد کند وعده دروغ می‌دهد.

تقریباً هیچ یک از عالمان گذشته، در اصل این استثناء و صحت آن تردیدی نکرده‌اند از طرفی

شارع مقدس اسلام در برخی از موارد خیلی از مسائل را اصلاح دانسته و موزدی آن را مجاز می‌داند. و بعضی از علماء معتقدند که مقصود دروغ صریح نیست بلکه مراد تعریض و توریه است.

### دروغ شامل حقوق زوجین نمی‌شود

نکته ای که همگان بر آن تأکید کرده اند آن است که دروغ به همسر به هر معنایی باشد، نباید حقی را ناحق کند یا موجب سقوط یکی از وظایف در محدوده تکالیف مرد نسبت به زن و زن نسبت به شوهر، شود. همه علماء بر این مطلب اتفاق نظر دارند که مقصود از دروغ میان زن و شوهر، جانی ندارد همه علماء بر این مطلب اتفاق نظر دارند که مقصود از دروغ میان زن و شوهر، تنها در جایی است که حقی را از آن دو ساقط نکند.

### مقصود از دروغ به زن چیست؟

۱. مقصود از دروغ وعده‌های غیر جدی است.
۲. مقصود از دروغ ابراز محبت و مبالغه در آن است.

### الف) مقصود از دروغ وعده‌های غیر جدی است.

زندگی خانوادگی همیشه بر وفق مراد طرفین نیست و در موارد بسیاری مرد از زیر بار تعهداتی که باید به جای آورد. یا بهتر است بجای آورد، شانه خالی می‌کند و همین باعث آشفتنگی و به هم ریختگی خانواده می‌شود و یا زن گاهی توقعاتی به حق و یا ناحق دارد که خواستار آن برای مرد دشوار است و یا مرد در شرایطی است که نمی‌تواند آن را انجام دهد. و با گفتن «چشم» خشک و خالی یک غائله خانوادگی را ختم می‌کند و صلح و صفا ایجاد می‌نماید.

بسا مقصود از دروغ، ابراز محبت و مبالغه در آن است نیازهای خانوادگی، منحصر به نیازهای مادی نیست و در کنار آن زن نیازهای روحی دارد که تنها از طریق ابراز محبت و عشق بر طرف می‌گردد. از این رو وجود عشق و محبت برای دوام زندگی خانوادگی لازم است.

اما این عشق و محبت را نمی‌توان به سادگی مانند کالاهای مادی تهیه کرد باید میان زن و شوهر رابطه عاطفی عمیقی باشد تا بتوانند سختی‌های زندگی را تحمل کنند. این رابطه عمیق یک

شبه حاصل نمی شود، بلکه محصول هماهنگی های سالیان دراز و همزیستی مسالمت آمیز آنان است. لذا نمی توان همواره انتظار وجود چنین رابطه ای را داشت و ضرورت آن را نباید ندیده گرفت پس چه باید کرد؟ راه حل مسئله آن است که زن و مرد یکدیگر را عمیقاً دوست بدارند تا چنین رابطه پایدار میان آنان بوجود آید. و دوست داشتن یک مسئله قلبی است و با فرمان و دستور پیدا نمی شود. ساده ترین راه آن است که زوجین در زندگی زناشویی وانمود کنند که یکدیگر را دوست دارند. حتی اگر این تظاهر دروغین باشد، و چنین تظاهری را غالباً می پذیرند. اگر کسی به دروغ از شما تعریف کند، گرچه بدانیم دروغ می گوید باز از تعریف های او لذت می بریم و خوشحال می شویم. ستاره زن فیلم «زیرزمین» (ساخته دیرکاستاریکا) به مردی که به شدت به او ابراز عشق می کرد و سخنان عاشقانه بر زبان می آورد، چنین می گوید: «می دانم دروغ می گوئی، اما دروغ گفتت زیباست» این طبیعت بشر است و آن را هم دگرگون نمی توان کرد. بنابراین، مقصود از دروغ در اینجا اظهار محبت غیر واقعی و ابراز صمیمیت های دروغین است که اگر هم طرف به دروغ بودن آن پی ببرد باز آن را خوش می دارد.

مانند آنکه شوهر به زن خود بگوید: تو زیباترین زنان و محبوبترین کس نزد من هستی.

\* ادامه مطالب را بخواست خداوند در مقاله بعدی بعرض عزیزان خواهم رساند.

موفقیت همگی را در گفتار صمیمی و صداقت و راستی از خداوند متعال مسئلت دارد.

### منابع :

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- انصاری، شیخ مرتضی؛ المکاسب المحرمه؛ چاپ چهارم؛ تهران؛ انتشارات اسماعیلیان.
- ۲- غزالی، امام محمد؛ کیمیای سعادت؛ جلد دوم؛ چاپ؛ تصحیح: حسین خدیوچم؛ تهران؛ انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳- نراقی، محمد مهدی؛ جامع السعادات؛ جلد دوم، بیروت.
- ۴- مظفر؛ محمدرضا، المنطق؛ چاپ، بیروت.
- ۵- \_\_\_\_\_، اقرب الموارد؛ مجلد



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی